

# هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری)

\* دکتر عیسی حجت

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۵/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۲/۶

## چکیده:

انسان همواره در پی گوهری و هویتی بوده تا به کیستی و چیستی خویش راه یابد؛ و هنر و معماری بر آنکه این هویت را جان مایه خویش قرار دهند.

دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی هویت‌ها را در پی داشت. انسان سنتی (مذهبی) جهان را برهه‌ای می‌دانست میان بودن ازلی و ماندن ابدی: انا لله و انا الیه راجعون، و هویت خویش را خارج از جهان مادی جستجو می‌کرد. انسان مدرن آمده بود تا خود را و جهان را آن گونه که می‌خواست بسازد.

این مقاله به کنکاش در مفهوم هویت در دو نگاه سنتی و مدرن می‌پردازد و رمز بی هویتی معماری امروز را در گذر از هویت واحد الهی به هویت‌های کثیر انسانی می‌یابد.

مقاله در آخرین گام و در تلاش برای بازیابی "هویت گم‌شده" معماری، به بیان اهمیت نقش آموزش در مدرسه‌های معماری پرداخته و جای‌گزین کردن "آموزش فطری" به جای "آموزش اقتباسی" را پیشنهاد می‌نماید.

## واژه‌های کلیدی:

هویت، معماری، انسان، خدا، سنتی، مدرن.

## مقدمه

معماری مدرن<sup>۲</sup>، "اقتباس" را در دستور کار خویش قرار داده بودند، هم‌اکنون و با همان رویکرد شیوه‌های نوینی را جای‌گزین معماری مدرن می‌کردند: دهه ۶۰ دهه معماری پست مدرن بود و پس از آن‌دی کانستراکشن و ...

آموزش معماری که می‌توانست در محیطی آزاد و از راه پرورش استعداد‌های خلاق صورت پذیرد، گرفتار حصارهای تنگ سبک‌ها و سیستم‌ها شد و از مسیر طبیعی و تاریخی خود منحرف گردید.

به تعبیر کریستوفر الکساندر (۱۳۸۱، ۱۲) "واقعیت این است که ما خود را آنچنان با قواعد و مفاهیم و ایده‌های مربوط به آنچه باید برای زنده ساختن بنا یا شهر انجام گیرد آزرده‌ایم که از آنچه طبیعتاً رخ خواهد داد می‌ترسیم، و متقاعد شده‌ایم که باید در قالب یک سیستم و با شیوه‌هایی خاص کار کنیم، مبادا بدون آنها محیط ما دچار هرج و مرج شود".

معماری ایران که با نفوذ تدریجی معماری مدرن وحدت و انسجام پیشین را از دست داده بود، با تداوم آموزش شیوه‌های لایه‌لایه شد. چهره شهرها به روزشمار تحولات معماری تبدیل گردید و با ورود هر دوره از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های معماری به بازار کار، گونه‌هایی بدیع و متفاوت به بناهای شهر افزوده شد.

گونه‌گونی شکل بناها و هزار چهره بودن شهر از سوی منتقدان به "بی‌هویتی" معماری تعبیر شد. عده‌ای در صدد هویت‌بخشی به معماری برآمدند و گروهی دیگر، هویت را در معماری امروز امری موهومی و دست‌نیافتنی دانستند<sup>۳</sup>. این مقاله تاملی است در رابطه هویت و معماری.

## انسان شیوه‌گرای عصر مدرن و انشقاق معماری

معماری از آن‌گاه که خود را مکلف به بیان چیزی نمود، آزادگی خویش را از کف داد. سالیان دراز انسان‌ها می‌ساختند و می‌زیستند بی‌آنکه از معماری، به جز معماری، انتظاری داشته باشند. اگر عظمتی، حقارتی، خشونت و لطافتی در معماری مشاهده می‌شد نه یک امر عَرَضی، بلکه جلوه‌ای از ذات معماری بود. عطفوت یک مسکن و صلابت یک قلعه چیزی جدای از معماری آنها نبود.

در نظر هایدگر "یک اثر معماری، مثلاً یک معبد یونانی، چیزی را به تصویر نمی‌کشد. این بنا صرفاً آنجا در میان صخره - دره‌ای پر شکن و شکاف ایستاده است. بنای معبد سایه خدا را در میان گرفته است. در این پوشیدگی و خفا می‌گذارد تا سایه خدا از میان ستون‌های تالار روباز در حریم مقدس محوطه اطراف منتشر شود. به واسطه معبد، خدا در معبد حضور می‌یابد..." (شولتز، ۱۳۸۲، ۵۹).

از آن‌گاه که معمار و معماری مکلف شدند تا در پس ساختن، چیزی را نیز بیان کنند، معماری دیگر "معماری" نبود؛ تبدیل شد به "معماری": معماری‌های تک، معماری پست مدرن، معماری دی‌کانستراکشن و ...<sup>۴</sup>

آموزش معماری نیز از این استحاله بی‌نصیب نماند و چنان شد که استاد و شاگرد پیش از آنکه به آفرینش اثری خوب بیاندیشند، در تکاپوی گزینش سبک و شیوه‌ای برای طراحی باشند.

آموزش سبکی تجربه تلخی بود برای مدرسه‌های معماری ایران. مدرسه‌هایی که در دوران نسبتاً طولانی استیلی

## ۱- کیستی انسان و چیستی هویت

### ۱-۱- انسان، انسانیت، و انسان‌گرایی

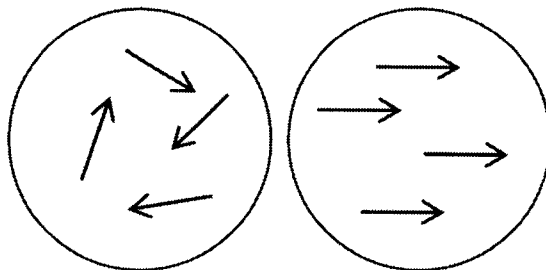
انسان در لغت به معنای بشر، مردم، آدمی زاده، حیوان ناطق، و ماخوذ است از انس به معنای الفت گرفتن و بعضی گفته‌اند ماخوذ از نسیان است؛ و نیز انسان نام است برای جسد معین و نفس معین که ساکن در آن جسد است (دهخدا، ۱۳۲۵).

در نگاه سنتی، انسان همچون هر پدیده دیگر وجهی مادی و وجهی متعالی و الهی دارد<sup>۵</sup>. وجه الهی انسان، انسان کامل است<sup>۶</sup>. انسان کامل کسی است که "در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد" و "او را چهار چیز به کمال باشد: اقوال نیک و افعال نیک و اخلاق نیک و معارف"<sup>۶</sup>. مقام انسان کامل "در

تصوف بالاترین مقامی که انسان بدان تواند رسید یعنی مرتبه فناء فی‌الله"<sup>۷</sup> است.

انسانیت یعنی همچون انسان کامل بودن و این مرتبه‌ای است که خاص اولیاء است و هر کس به تناسب قابلیت و همتش به مرتبه‌ای از مراتب آن دست می‌یابد. انسان بدون انسانیت جاننداری بیش نیست و شرافت آدم به آدمیت او است<sup>۸</sup>.

انسان‌گرایی (اومانیزم) پدیده‌ای رنسانسی است که در تقابل با انسانیت قرار می‌گیرد. شریعتی در این باره می‌گوید: "اومانیزم می‌گوید که باید ارزش‌های خارجی را به نام دین، به



جامعه مدرن: هویت‌های فردی      جامعه سنتی: هویت جمعی

## ۲- هویت انسان ساز و انسان هویت پرداز

انسان در هنگام بودنش در این جهان هویتی یگانه و ثابت دارد یا هویت‌هایی متعدد و متغییر؟

هویت انسان پیش از آمدنش به این جهان تعریف شده یا در زمان بودنش در این جهان شکل می‌گیرد؟

آیا هویت انسان را می‌سازد یا انسان هویت را؟

پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند تاویل و تاملی است در معنای

هویت در دو دستگاه سنتی و مدرن:

در نگاه سنتی "انسان در جهانی می‌زید که فقط یک مبدا و یک مرکز دارد. او نسبت به آن مبدا در آگاهی کامل به سر می‌برد. مبدائی که مشتمل بر کمال، پاکی ازلی و تمامیتی است که بشر سنتی می‌خواهد در جستجوی آن برود، آن را دوباره به دست آورد و انتقال دهد. او روی دایره‌ای زندگی می‌کند که پیوسته از مرکز آن باخبر است و در زندگی، اعمال و اندیشه‌هایش رو به سوی آن مرکز دارد" (نصر، ۱۳۸۰، ۱۴۳).

در پندار سنتی (مذهبی)، بودن انسان در این جهان مقدمه‌ای است برای بودن جاودان او در جهانی دیگر: "الدنيا مزرعة الاخرة". در این پندار به گفته ملاصدرا، انسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء است (صدر، ۱۳۵۱)، انسان مرغ باغ ملکوت است و در انتظار بازگشت<sup>۱۱</sup>، و نی بریده از نیستان است که از غم فراغ ناله می‌کند<sup>۱۱</sup>.

در تفکر مدرن (سکولار)، بودن انسان در این جهان برهه‌ای است میان تولد و مرگ و هیچ‌گونه غایت و فرجام و وعده و معادى خارج از این جهان برای او متصور نیست. "انسان پرومته‌ای، مخلوق این جهان است. او بر زمین احساس می‌کند که در وطن است؛ وی زمین را نه طبیعت بگری که انعکاس عالم مینوی، بلکه آن را دنیای مصنوعی می‌داند که توسط انسان پرومته‌ای خلق شده تا در آن بتواند خدا و حقیقت باطنی خویش را فراموش سازد. چنین فردی زندگی را یک فروشگاه بزرگ می‌داند که او در آن آزاد است تا پرسه زند و هر چه را می‌پسندد انتخاب کند." (نصر، ۱۳۸۰، ۱۳۴)

هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است که به مدد ایمان به غیب شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار اوست. در حالی که انسان مدرن (سکولار) خود به مدد

نام خدا، به نام طبیعت، حقیقت علمی، مصالح عقلی ... و به هر نام دور بریزم، که این خود انسان و طرز ساختمان اوست که مهم است. همچنان که انسان به اندازه‌ترین و زیباترین ساختمان ارگانیک جهان است، از لحاظ روحی نیز طبیعت یا خدا، عالی‌ترین ساختمان روانی را در او به وجود آورده است. بنابراین بهترین ملاک حق و باطل، نیک و بد و خیر و شر، اقتضای نیازها و رفتار تن و روان آدم است. متدهای اخلاقی و تربیتی را از خارج برای بدن و روان تحمیل نکنیم، رهاش کنیم تا آزاد بروید، چون این - انسان - بهترین نژاد موجود زنده و بهترین معجزه طبیعت، به شکلی که باید خواهد رویید" (شریعتی، ۱۳۵۹، ۱۸۰).

می‌توان گفت که انسانیت نگاهی آرمانی و کمال‌گرایانه به انسان است و انسان‌گرایی نگاهی ملموس و واقع‌گرایانه.

### ۲-۱- هویت

هویت به معنای تشخیص، هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد<sup>۱۲</sup> - همچون شخصیت یا کیفیت - بیان‌گر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای می‌باشد. هویت، شخصیت و یا کیفیت هر چیز می‌تواند در سنجش با معیارهایی، خوب یا بد، ارزیابی شود. بی هویت، بی شخصیت و یا بی کیفیت خواندن افراد یا پدیده‌ها اشتباه رایجی است که به جای بد هویت، بد شخصیت و یا بد کیفیت به کار می‌رود. هویت وابسته لاجرم هر چیزی است که وجود دارد.

هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی متفاوت سنجیده می‌شود؛ در جامعه‌ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی - مکتبی، محک‌هایی متعین، و در جامعه‌ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن - مدنی، محک‌هایی نامتعین ملاک ارزیابی هویت قرار می‌گیرند. صدرالمتألهین هویت هر موجودی را عبارت از نحوه خاص وجود او می‌داند: "هویت هر موجودی عبارت از نحوه خاص وجود اوست، در انسان هویت واحده است که متشان به شئون مختلف می‌شود. افراد انسانی را مشخصاتی هست که به واسطه آن‌ها هر یک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آنها باقی است و به آن هویت گویند" (سجادی، ۱۳۶۳، نقل از اقبالی، ۱۳۷۸). بنابراین هر فردی، هر اثری و هر بنایی دارای هویتی است.

آنچه اثری را در نگاه عموم با - یا بی - هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد، همچون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی؛ و اثر بی هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی.

یک اثر معماری می‌تواند تبلور یک هویت جمعی (مذهبی، سرزمینی، نژادی، ...) باشد و یا صرفاً به بیان شخصیت و هویت طراح و سازنده خود، مستقل از هنجارهای جمعی بپردازد.

خود، هویت خویش را می‌سازد. هویت در جامعه سنتی واحد و الهی و در جامعه مدرن متکثر و اکتسابی است. در نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست<sup>۱۲</sup> و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت او.

## ۲-۱- هدف انسان از زیستن و ساختن

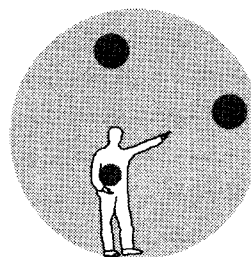
آیا هدف انسان از زیستن و ساختن در تمامی فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها یکی است؟ آیا این هدف ساخته و پرداخته خود انسان است یا از سوی مرجعی ماورایی و فرا انسانی برای او تعریف و پیشنهاد شده است؟

هدف انسان سنتی از زیستن در این جهان دست یافتن به بهشتی موعود است در جهانی دیگر. بهشتی که بهترین و یگانه هدف اوست و خداوند آنرا در جای‌جای قرآن کریم به عنوان پاداش نیکوکاران معرفی نموده است.

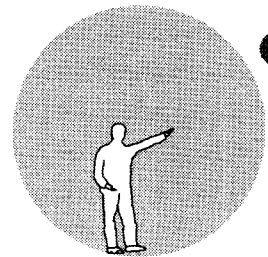
زیستن انسان سنتی در این جهان آمیخته با ریاضت‌ها، رعایت‌ها، خودداری‌ها و بردباری‌هاست. او "می‌داند که غایت او فراتر از این قلمرو ناسوتی است که به او داده شده تا بر آن حکومت کند" (نصر، ۱۳۸۰، ۱۳۴)

هدف انسان مدرن (سکولار) از زیستن در این جهان، کام گرفتن از این جهان است. فرانسیس بیکن (۶۸-۱۵۲۶ میلادی) "در واقع به دنبال ایجاد علم جدیدی بود که بتواند انسان را بر طبیعت مسلط سازد و به او قدرت و تفوق بر محیط بدهد" (نصر، ۱۳۷۶، ۲۲۴). انسان مدرن به مدد خرد، اهدافی را در جهت کام‌یابی هر چه بیشتر در زمان بودنش در این عالم ساخته و با کوشش و تلاش و پشت‌کار فراوان یکی پس از دیگری به آن هدف‌ها دست می‌یابد. انسان مدرن هدفی خارج از جهان مادی نمی‌شناسد و به ریاضت و عقوبت و معاد اعتقادی ندارد. انسان مدرن زاده رنسانس است. رنسانس بهشت یگانه جاودانه آسمانی را به بهشت‌های کوچک زمینی بدل کرد تا هرکس برای خود بهشتی بیافریند و دیر یا زود بدان دست یابد و چون دست یافت، بهشتی دیگر ...

رنسانس با ادبیات شروع شد؛ پتراک که او را پدر رنسانس دانسته‌اند، معشوق خود را نه در آسمان که در زمین و در میان هموعانش یافته بود.<sup>۱۳</sup>



انسان مدرن:  
اهداف متعدد این جهانی



انسان سنتی:  
هدف یگانه آن جهانی

خرم آن روز کز این منزل ویران بروم  
راحت جان طلبم وز پی جانان بروم (حافظ)

انسان مدرن (سکولار) که مرگ را پایان خود می‌داند، به بودن و سکنی گزیدن می‌اندیشد؛ و برای بهتر "بودن" پیوسته اهدافی را تعریف و تعقیب می‌کند. نگاهی به معماری غرب پس از رنسانس و تامل در فراوانی سبک‌ها و شیوه‌ها، حکایت از تلاش معمار غربی برای هدف‌سازی و هدف‌یابی مدام دارد. فوکو می‌گوید: "ما باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم". (احمدی، ۱۳۷۴، ۶۴)

## ۲-۲- اصول انسان‌ساز و انسان‌اصول پرداز

انسان سنتی (مذهبی) برای زیستن در جهان از اصولی پیروی می‌کند که از سوی پروردگارش صادر شده و از طریق فرستادگانی برگزیده به او ابلاغ می‌گردد. این اصول سازنده شخصیت و هویت انسان سنتی و پردازنده رفتار، کردار و به‌مثابه‌های اجتماعی اوست. این اصول پاینده، بر معماری به‌مثابه‌های اجتماعی اثر گذاشته و آن را سمت و سوی خاص می‌بخشد.

معماری سنتی از آن روی دارای هویت دانسته می‌شود که مظهر و محل تجلی اصول پایداری است که معماران را، و به واسطه آنان معماری را جهت و شکل می‌دهد. اصولی چون وحدت، حکمت، صداقت، قناعت ...

انسان مدرن برای زیستن در جهان از قوانینی پیروی می‌کند که خود سازنده آن است؛ قوانینی که بر سر آن با سایر انسان‌های مدرن به توافق رسیده است. انسان مدرن تابع "قراردادهای اجتماعی"<sup>۱۴</sup> است. قراردادهای اجتماعی تا زمانی مرجعیت دارند که قرارداد دیگری جای‌گزین آنها نشده باشد. در قراردادهای اجتماعی نیک و بد مطلق معنی ندارد. نیک و بد با نظر اکثریت انسان‌های مدرن تعریف می‌شود و یا تغییر می‌یابد. این قراردادها از مقررات رانندگی و فوتبال تا قوانین اخلاقی و اجتماعی ساخته و پرداخته خرد انسانی هستند.<sup>۱۵</sup> در نظر منتسکیو "قانون حقیقی انسانی همان عقل انسانی است که باید حاکم باشد" (فروغی، ۱۳۶۶، ۱۶۳) و روسو معتقد است که "کمال مطلوب آنست که قانون بیان‌کننده اراده عمومی باشد" (دورانت، ۱۳۶۹، ۲۳۴). خرد انسان مدرن برای معماری نیز، همچون سایر هنجارهای اجتماعی، پیوسته قراردادهایی را منعقد و لغو، و شیوه‌ها و سبک‌هایی را جاری و باطل می‌نماید. معماری مدرن - به معنای عام - محصول تکثر اصول و قراردادهای عصر جدید است که هر از گاهی تحت تاثیر

آشفته و در هم ریخته و نامنسجم خواهد شد؟" (الکساندر، ۱۳۸۱، ۴۳۲)

شهر سنتی بستر "معماری" سنتی است و شهر مدرن بستر "معماری‌ها"ی مدرن. معماری سنتی معماری "ما" است و معماری مدرن معماری "من‌ها".

## ع- نوآوری، خلاقیت، بدعت

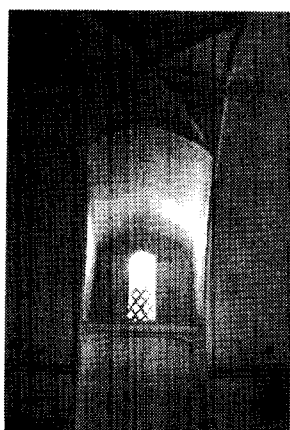
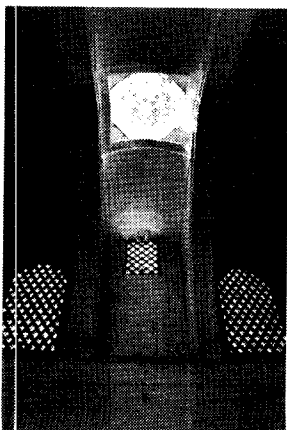
آیا گونه‌گونی معماری امروز نشان‌دهنده نوآوری معماران مدرن است؟

آیا همگونی معماری سنتی نشان از عدم نوآوری در معماران سنتی دارد؟

آیا نوآوری سبب نابسامانی و هرج و مرج در محیط انسان‌ساخت است؟

انسان، اعم از سنتی و مدرن دارای اندیشه پویا و مشتاق به نوآوری است؛ اما چگونگی بروز نوآوری در معماری سنتی و معماری مدرن یکسان نیست. انسان سنتی نوآوری را در جهت به‌سامان کردن پدیده‌ها و چیزها به کار می‌گیرد؛ همچون کنار هم چیدن قطعات جامی شکسته. این عمل جنبه‌ای تکاملی دارد و اهدافی متعالی و الهی را پی‌گیری می‌نماید. این نوآوری در پی دست یافتن به کمالی است که هرگز حاصل نمی‌گردد مگر در عالم بالا. خدای سبحان احسن الخالقین است و انسان که خلیفه خداوند بر روی زمین است، با خلاقیت، این ودیعه الهی، ذرات وجود را به سوی نظمی کیهانی سامان می‌دهد.

معمار سنتی نوآوری را در تکمیل تدریجی دست‌آورد پیشینیان و سپردن آن به آیندگان می‌داند، معمار سنتی به اندازه توان خود ارزشی بر ارزش‌های معماری می‌افزاید و ادعای معماری خلق‌الساعه را ندارد.



نگاهی به دو شبستان جانبی مسجد جامع یزد - که با اختلاف زمانی ساخته شده‌اند - نشان می‌دهد که چگونه یکی تکامل یافته دیگری است و سازه‌ای سبک‌تر و فضایی روشن‌تر را به نمایش می‌گذارد.

مولفه‌های متغییر و پویای روزگار مدرن شکلی نو و تازه به خود می‌گیرد و ساخت و ساز جدیدی را طلب می‌کند. چارلز کوره‌آ می‌گوید: "من فکر می‌کنم هویت با زمان رشد می‌کند. هویت اتفاق می‌افتد. من فکر نمی‌کنم هویت چیزی است که بتوان به‌صورت خودآگاه دنبال کرد. شما فقط تلاش می‌کنید، مسایل واقعی را می‌بینید و آنها را حل می‌کنید."<sup>۱۶</sup>

معماری مدرن، معماری هویت‌های پویا و گذرای عصر جدید است. این هویت‌های پویا و گذرا در سایر هنرها و ادبیات نیز می‌آیند و می‌روند و آثاری را بر جای می‌گذارند. ولی تنها در معماری است که به علت ماندگاری اثر و هم‌نشینی بناها، اختلاط هویت‌ها و به تعبیری دیگر بی‌هویتی معماری به چشم می‌آید.

## ۳- معماری ما، معماری من

هرگاه آثار متعلق به هویتی جمعی و متجانس گرد هم آیند، منظومه‌ای هماهنگ شکل می‌گیرد و هرگاه آثاری با هویت‌های فردی و نامتجانس کنار هم قرار گیرند، مجموعه‌ای ناهماهنگ حاصل می‌گردد.

امروز هماهنگی حاصل از هم‌نشینی بناهای متجانس را به "هویت" و ناهماهنگی حاصل از هم‌جواری بناهای نامتجانس را به "بی‌هویتی" تعبیر می‌کنند. شهر سنتی منظومه بناهایی است که تحت سیطره بینش سنتی و آداب و رسوم آن و متأثر از محدودیت‌های اقلیمی و فنی شکل گرفته و لاجرم دارای وحدت و هم‌آوایی هستند. شهر امروز مجموعه‌ای از بناها است که هر یک بنا به سبک و سلیقه‌ای و به پشتوانه توان فنی پیشرفته شکل گرفته و به ناچار پاره پاره و هزار چهره است. به بیان دیگر، از آنجا که معمار سنتی بر مدار سنت و هویت جمعی می‌سازد، آثار معماری سنتی هم‌شکل و هم‌زبان هستند، آنچنان که گویی همه بناها را معماری هزارساله ساخته است؛ و چون معماران عصر جدید هر یک بنا بر سلیقه و هویت شخصی و یا سبکی خویش می‌سازند، آثار معماری جدید ناهم‌شکل و ناهم‌زبان و گویای تکثر اندیشه و سلیقه آنان است.

می‌توان گفت که در روزگار سنتی، معماری محوری است که معماران در امتداد و در گرد آن حرکت می‌کنند؛ در حالیکه در شرایط مدرن محوریت با معمار است و معماری تابعی از بینش و سلیقه معمار می‌باشد.

"وقتی ذهن یک نفر یا یک گروه، بنایی را طراحی می‌کند، طبعاً آن را به صورت کل ادراک می‌کند، و هر چیزی در آن جای خود را می‌یابد، چه در قوام بخشیدن به کل و چه در اینکه هر کدام از آنها خود کل است. اما رشد شهر نه زاده ذهن یک نفر است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون‌ها فعالیت منفرد ساختمانی است. از کجا می‌توان مطمئن شد که شهر حاصل از این فعالیت‌های کثیر متفرق، کل منسجم خواهد بود و

مدرسه‌های معماری آموزش داده می‌شد - را از میدان به در می‌کنند.

معماری مدرن بر خلاف معماری سنتی که فارغ از زمان به‌نظر می‌آید، معماری‌ای است وابسته و متکی به زمان. زمانی می‌آید، زمانی می‌پاید، و زمانی می‌رود. نوآوری آنگاه از جنس خلاقیت است که جدید زاده موجود و مکمل آن باشد. نوآوری آنگاه از جنس بدعت است که جدید جای‌گزین موجود و متضاد آن باشد.

انسان مدرن نوآوری را در دگرگون کردن پدیده‌ها و چیزها و جای‌گزین کردن جدید به جای موجود به کار می‌گیرد. معماری مدرن (به معنای عام) معماری عصیان و بدعت است. هر سبکی که در این معماری پدید می‌آید با نفی شیوه پیشین همراه است. معماری مدرن دیکتاتور و سرکوب‌گر است. معماری که به سبکی به جز سبک روز عمل کند عقب مانده و واپس‌گرا به حساب می‌آید. شیوه‌ها یکی پس از دیگری "دیگته" می‌شوند و شیوه قبلی - که تا دیروز مورد وثوق و اقبال معماران بود و در

## ۵- نتیجه‌گیری

"بسیار هویتی" معماری امروز که با نگاه وحدت‌گرایی جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد، هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی بدل گردد. در حالیکه روز به روز به گونه‌گونی بناها و به ویژه نماهای شهر افزوده می‌گردد<sup>۱۸</sup>، اندیشمندان و خیرخواهان و دست اندرکاران محیط شهری خواهان "هویت واحد" برای شهر می‌باشند.

در این رابطه دو راه در پیش رو داریم: اول آنکه "ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد"<sup>۲۰</sup> و بپذیریم که دوران "هویت واحد" به سر آمده و دوم آنکه در راه رسیدن به هویت واحد بکوشیم. در صورت اخیر باید چیستی این هویت واحد و چگونگی تاثیر آن بر معماری مورد مذاقه قرار گیرد.

راه رسیدن به هویت واحد را می‌توان در هم‌زبانی آثار معماری یاد در هم‌دلی معماران یافت:

### ۶-۱- ایجاد هم‌زبانی در آثار معماری

ایجاد هم‌زبانی در معماری بدین معناست که وجوه بیانی معماری همچون مصالح نما، ارتفاع، ابعاد و تعداد بازشوها، رنگ و ... در آثار و ابنیه مختلف میل به یکسانی داشته باشد. در این حالت پاره‌ای ویژگی‌ها که عمدتاً ماخوذ از معماری دوران سنتی و بعضاً اقلیمی و سازه‌ای هستند توسط نهادهای ذی‌ربط به صورت ضوابط لازم‌الاجرا به سازندگان اعلام و اعمال می‌گردد. این شیوه که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در نقاطی از کشور اعمال شده نتایج درخشانی نداشته است. علت این امر را می‌توان در موارد زیر یافت:

۶-۱-۱- معمار فردگرای امروزی، علی‌رغم رعایت ضوابط تعیین شده در تلاش خواهد بود تا بتواند شخصیت و هویت خویش را به هر طریق ممکن در شکل ظاهری بنا نشان دهد و از همسانی با همسایگان

کتاب مقدس: خداوند انسان را به صورت خویش آفرید. فویر باخ: انسان خداوند را به صورت خویش آفرید.

(نقل از دکتر علی شریعتی)

بحران هویت، بحران وارونگی جهان و جا به جا شدن انسان و خداست.

آنجا که خدا خالق انسان است، انسان غرق خداست، انسان از سوی خداست و به سوی خدا باز می‌گردد؛ عمل انسان، زیستن انسان و مردن انسان برای خداست.<sup>۱۷</sup> انسان وحدت‌گرا در پی "یافتن" هویتی برای خود نیست، که در پی "یافتن" هویت الهی خویش است. عالم وحدت عالم هم‌گرایی است، در این عالم هویت از آن خداست، انسان هر چه بیشتر از خود ببرد و به خدا نزدیک شود "با هویت" تر می‌گردد. هویت الهی آنچنان است که منصور حلاج در جامه خود جز خدا نمی‌یابد و بانگ "انا الحق" سر می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

آنجا که انسان خالق خداست، کثرت جای‌گزین وحدت می‌گردد؛ انسان خدای خود، هویت خود، هدف خود، قانون خود، هنجارهای خود و ... معماری خود را می‌سازد. عالم کثرت عالم واگرایی است. انسان کثرت‌گرا در پی یافتن هویتی کم‌شده نیست، که در پی یافتن هویتی ویژه برای خویش است. انسان کثرت‌گرا هر چه از یک رنگی‌ها بگریزد و به خود بپردازد و تفاوت خود را با دیگران آشکارتر کند، "باهویت" تر می‌گردد. هویت در عالم وحدت "خدایی" بودن و در عالم کثرت "خود" بودن است.

## ۶- چاره‌جویی

"به تعداد چشم‌ها حقیقت وجود دارد، پس حقیقتی وجود ندارد"

(نیچه)

معماری امروز به تعداد معماران هویت دارد، پس هویتی ندارد. معماری امروز در پی خلق هویت‌های جدید است، پس از هویت موجود پیروی نمی‌کند.

به بیانی دقیق تر در وجود معماران بیابیم؛ و این حاصل نخواهد شد مگر از طریق آموزش.  
به این منظور مدرسه معماری باید اصل را بر آموزش درونی معماری قرار داده و پرورش استعداد های فطری دانشجویان را بر آموزش بیرونی و اقتباس از مصادیق ترجیح دهد. در این صورت می توان امیدوار بود که هویت گم شده معماری بازیابی گردد؛ نه از میان مصادیق سنتی، مدرن و پست مدرن و... که از درون پاک و فطرت تزکیه شده شاگردان معماری.  
آنچه که شاگرد معماری در مدرسه باید بیاموزد نه تکرار معماری گذشته است و نه اقتباس از معماری بیگانه. مدرسه باید نیک بودن و نیک اندیشیدن را به شاگرد بیاموزد تا او نیز همچون نیاکانش نیک بزید و نیک بسازد؛ زیرا "قدرت زیبا ساختن بناها از پیش در ما وجود دارد."<sup>۲۱</sup>

بپرهیزد. نگاهی به تجربه اصفهان در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نشان می دهد که با وجود اجبار در بکارگیری آجر در نما - ترکیب کلی بناها حکایت از خواست هویت طلبانه معمارانی داشت که همچنان می خواستند اثری متفاوت تولید نمایند.  
۱-۲-۶- همزبانی حاصل از اعمال ضوابط ممکن است به تشابه ظاهری بناها بیانجامد ولی نمی تواند وحدت و اصالت ذاتی موجود در آثار سنتی را احیا نماید. این همزبانی که از جنس همزبانی نماها در یک شهرک سینمایی است - از حد پوسته بیرونی و نمای ساختمان ها پیشتر نمی رود.

## ۲-۶- ایجاد همدلی در معماران

ایجاد همدلی در معماران بدین معناست که وحدت، اصالت و هویت را نه در چهره ساختمان ها که در ذات و درون مایه بناها و

## پی نوشت ها:

۱. در این رابطه نگاه کنید به: Jenks, Charles: Evolutionary Tree of Twentieth Century Architecture: Critical modernism in twentieth century, AD, vol. 70.
۲. از بدو تاسیس دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۱۹) تا اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی آموزش معماری با اقتباس از مدرسه بوزار و از آن زمان تا پیش از انقلاب اسلامی نیز با اقتباس از مدرسه باهوس انجام می شد.
۳. نگاه کنید به: عیسی حجت (۱۳۸۱): حرفی از جنس زمان (نگاهی نو به شیوه های آموزش معماری در ایران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صص ۵۸-۵۰.
۴. چرخ با این اختران نغز و خوش و زیبایی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی (میرفندرسکی)
۵. "انسان کامل، عبارت است از جمیع مراتب الهیه و کونیه از عقول و نفوس کلی و مراتب طبیعی تا آخر تنزیلات وجود." شرح فصوص الحکم قیصری: ص ۱۰ نقل از لغت نامه دهخدا.
۶. نگاه کنید به: محمد منصور فلامکی (۱۳۷۱): شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب، ص ۱۷۷.
۷. نگاه کنید به: علی اکبر دهخدا (۱۳۳۵) لغت نامه فارسی.
۸. به تعبیر سعدی می توان گفت: "تن آدمی شریف است به جان آدمیت...".
۹. نگاه کنید به: محمد معین: فرهنگ فارسی معین.
۱۰. به تعبیر حافظ:
۱۱. مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک  
چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم  
به تعبیر مولوی:
۱۲. بشنو از نی چون حکایت می کند  
وز جدایی ها شکایت می کند  
کز نیستان تا مرا بریده اند  
از نفیرم مرد و زن نالیده اند
۱۳. نصر در کتاب خویش با عنوان معرفت و امر قدسی (ص ۱۴۰) چنین می گوید: "عملکرد انسان پاپ گونه از حقیقت و از آنچه هست، جدا ناشدنی است. زیرا تعلیمات سنتی، خوشبختی انسان را در این می دانند که نسبت به فطرت پاپ گونه اش آگاه باقی بماند، مطابق آن زندگی کند و پلی میان آسمان و زمین باشد".
۱۴. جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: ویل دورانت (۱۳۷۲): تاریخ تمدن، جلد ۵ (رنسانس)، صص ۱۷-۱۳.
۱۵. قرارداد های اجتماعی نام کتابی است که در سال ۱۷۲۶ توسط ژان ژاک روسو نوشته شده و آغازی است برای جایگزین کردن قوانین عقلی به جای دستورات دینی. "این کتاب از دموکراسی دفاع و حق آسمانی پادشاهان را انکار می کرد." جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: برتراند راسل (۱۳۷۲): تاریخ فلسفه غرب، ص ۹۴۷.
۱۶. مفهوم قانون در اسلام با قانون دنیای متجدد کاملاً فرق دارد: "واضع اصلی قانون خداوند است و بشر تنها می تواند آنرا اعمال کند و با شرایط مختلف تطبیق دهد ولی منبع و منشأ این قانون همواره وحی الهی است. بنابراین میان دنیای متجدد و اسلام از حیث نحوه برخورد با مسایل اجتماعی تفاوتی چشمگیر وجود دارد. در دنیای متجدد قوانین وضع می شود تا با اوضاع و احوال موجود همراهی کند، در حالی که در اسلام بایستی اوضاع و احوال موجود را به نحوی تغییر داد که با شریعت و قانون الهی همساز شود. در نتیجه، اختلافی اساسی در فهم این دو جهان از مفهوم قانون وجود دارد." (نصر، ۱۳۷۶)

۱۶. (به نقل از اقبالی، ۱۳۷۸) Correa, Charles (1983): Cited in "Panel Discussion 2"
۱۷. ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۶۲)
۱۸. اشاره به جمله معروف منصور حلاج است: لیس فی جبتی الا الله.
۱۹. قابل توجه است که تأثیرپذیری معماری روز ما از معماری روز غرب عمدتاً در سطح نما اتفاق می افتد. نقشه بنا، روش ساخت و تجهیزات داخلی اکثر بناها - قبل از اجرای نما - یکسان است و فقط هنگامی که پوسته نهایی بنا نصب می شود سبک معماری آن مشخص می گردد. اجرای ساختمان با ستون های بتنی و سقف تیرچه بلوک و آنگاه نصب خریاهای رنگین و کاذب فلزی در نما نوعی معماری های تک - نما را به نمایش می گذارد.
۲۰. عنوان قطعه شعری است از فروغ فرخ زاد، از مجموعه شعر: ایمان بیاوریم، ۱۳۵۲.
۲۱. کریستوفر الکساندر (۱۳۸۱): معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن، ص ۱۲.

### فهرست منابع:

- احمدی، بابک (۱۳۷۷) "معمای مدرنیته"، نشر مرکز، تهران.
- اقبالی، سید رحمان (۱۳۷۸) "هویت معماری معاصر ایران: بررسی تطبیقی نظریه ها و تجربه ها (رساله دکتری)"، دانشگاه تهران، تهران.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) "معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن"، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۸۱) "حرفی از جنس زمان: نگاهی نو به شیوه های آموزش معماری در ایران"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صص ۵۰-۵۸.
- دورانت، ویل (۱۳۷۳) "تاریخ تمدن (جلد ۵ - رنسانس)"، ترجمه صفدر تقی زاده و ابوطالب صارمی، (چاپ چهارم)، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- دورانت، ویل (۱۳۶۹) "تاریخ تمدن (جلد ۱۰ - روسو و انقلاب)"، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، (چاپ اول)، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵) "لغت نامه فارسی"، چاپخانه مجلس شورای ملی، تهران.
- راسل، برتراند (۱۳۷۳) "تاریخ فلسفه غرب"، ترجمه نجف دریابندری (ویرایش ۲)، کتاب پرواز، تهران.
- سجادی، س.ج. (۱۳۳۸) "فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی"، به اهتمام ح. قهاری، چاپخانه سعدی، تهران.
- سجادی، س.ج. (۱۳۶۳) "فرهنگ معارف اسلامی (جلد چهارم)"، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹) "تاریخ و شناخت ادیان (جلد ۲)"، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی، تهران.
- شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۲) "معماری، معنا و مکان"، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران.
- صدر، محمد باقر (۱۳۵۱) "فلسفه ما"، ترجمه و شرح سید محمد حسن مرعشی، انتشارات صدر، تهران.
- فروغی، محمد علی (۱۳۶۶) "سیر حکمت در اروپا (جلد دوم)"، (چاپ چهارم)، انتشارات زوار، تهران.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۷۱) "شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب"، نشر فضا، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۴) "فرهنگ فارسی معین"، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰) "معرفت و امر قدسی"، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، نشر فرزاد، تهران.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۶) "جوان مسلمان و دنیای متجدد"، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، تهران.